



تاخره‌راش داده بود پایین و خطاب به بچه‌ها فقط فحش می‌داد. قاسم مگس توی طبقه پایین اتوبوس بوق سه شاخ‌اش در دست به مشد حسن می‌گفت امروز خدا کنه تاج ببره، فردا یک کباب قلوه پر ملاط خیرات بدهی به همین جمع. همچنان که بچه‌های کوچ که کانال که مال زمین دیهیم‌اند به طرفدارها حال پخش می‌کنند یا هامبار سوم که به خاطر عشقش به تاج، همه را دور ریزد تیمش به ساندویچ کالباس مهمون می‌کند آنهم اوورت.

مشد حسن نشست و سه سکو سنتی امجدیه و داور ترکیه‌ای ارتوگورول ول‌مک را دید که با سوت مشک‌ی‌اش آمد توی چمن. توی امجدیه ۲۰ هزار تا آدم کپک توکیپ

نشسته بودند. ناصر توی گل تاج بود و بازوبند کاپیتانی روی بازوی پرویز. پرسپولیس هم هادی خان توی گلش بود و همایون کاپیتانش. هنوز ۷ دقیقه از بازی نگذشته بود و مشهد حسن جای خودش را گرم و نرم نکرده بود که علی سلطون، موزمال موزمال جلو کشید و یک گل به ناصر زد. البت ناصر هم طفلی در جریان گل، بی تقصیر بی تقصیر هم نبود. همان ناصر که تازه تازه تاجی شده بود و عشق حسن چلوبی بود. با آن لباس تمام مشکی -پیرهن سیاه، شورت سیاه و جوراب سیاه سفید راه راه- که دل از همه می برد. گل اول را که ناصر خورد، خون تورگ های مشهد حسن یخ زده بود. تا اینکه در دقیقه ۲۷ باز سلطون قرمزها تاج را به فتاد. ضربه کاشته اش همچون رفته حاضری رو سر کلاهی میزون شد و ضربه او هم رقم غلطید توی دروازه ناصر. مشهد حسن دیگر فکش قفل کرد. نیم ساعت اول و دوگل که خوشبختانه در نیمه دوم جریان بازی عوض شد و تاجی ها عین



آپاچی‌ها ریختند جلوی دروازه قرمزها که دوگل عقب‌افتاده را جبران کنند اما مشد حسن فقط تا دقیقه ۷۵ بازی دوام آورد. وقتی دید از گل خبری نیست دمش را گذاشت روی کولش و عین گنجشک آب‌کشیده امجدیه را ترک کرد. از جلوی گرمابه رکس، تنها و شکست‌خورده، خیابان لختی‌ها را انداخت به سمت پایین و راه رفت. رسید جلوی همان دکه روزنامه‌فروشی که ظهر قیامت بود. دید برنده پرنمی‌زند و رادیوی ترانزیستوری یارو را یکی از زندون کف رفته است. مشد حسن از پیش‌خون دکه، یک دانه روزنامه اطلاعات عصر را برداشت که سر

باشگاه آمده بودند تا پول ماهیانه خود را بگیرند. آنها با کمی نگرانی از بردن صحبت می‌کنند. حسن روشن هنوز رباط‌های زانویش درد می‌کند. باغوردانی محروم است. رایکوف نمی‌داند که توی دروازه‌اش از منصور رشیدی با تجربه اما کمی عصبی استفاده کند یا خاکسار جوان و کم‌تجربه اما خونسرد؟ مژده‌ی هنوز در ته دلش از تعویض در بازی با آرات دلخور است اما قول داده بهترین بازیکن زمین باشد. رایکوف می‌گوید سابقه طوری بوده که هر وقت تیم ما بهتر از ریسپولیس بوده، نتیجه برعکس شده است. تیم ما شرایط خوبی دارد اما نتیجه را پیش‌بینی نمی‌کنم چون از صدا پیش‌بینی یکی‌اش درست در نمی‌آید. پرویز کوزه‌کنانی سرپرست تیم تاج می‌گوید بازی این دو تیم جنبه روانی دارد. برد و باخت از نظر من مهم نیست. از همین حالا به تیم برنده تبریک می‌گویم. منصور رشیدی می‌گوید اگر دو مدافع میانی ما دنده عقب کار نکنند تیم ما برنده می‌شود. حسن نظری از پیشگویی طفره می‌رود، نتیجه را بعد از بازی به شما خواهیم گفت. عزت جانملکی معتقد است هر کدام از دو تیم گل اول را بزنند نتیجه را خواهد برد. حسن روشن می‌گوید گرچه زانویم درد می‌کند و دو روز است از هات‌بک برای تسکین درد استفاده می‌کنم ولی الان احساس راحتی می‌کنم و تیم ما با دو گل پیروز خواهد شد. حسن تارازن خاطرنشان می‌کند ۲-۰ برنده می‌شویم یکی‌اش را مژده‌ی و دیگری را هادی نرافعی می‌زند.

داغ نوزدهم: دنده عقب نداریم

قدیم‌ها پیش‌بازی‌های دربی‌ها لذت دیگری داشت. شاید کرونا و قرنطینه شدید تیم‌ها و سقوط ارزش‌های رسانه‌ای، لذت‌های پیش‌بازی‌ها زیردندان هواداران مزه‌کند. مثل دربی اول پاییزی سال ۱۳۵۵ که دو تیم در دوم مهر ۵۵ به نتیجه ۱-۱ دست یافتند و گل نراقی را برابری پاسخ داد و برای اولین بار پرداختن به پیش‌بازی‌ها، بیشتر ضفحات و جلد رسانه‌ها را به خود اختصاص داد. حتی جزئیاتی



و چند روز توی دکان و خیابان و خانه آفتابی نمی شد. حاضر بود تیمش ببرد و او به تمام آدم های تاجی دنیا مفت مفت کباب قله های بدهد اما تیمش به این پرسپولیس لاکردار باز زد. فروردین سال ۴۹ که مشد حسن تیمش قهرمان جام باشگاه های آسیا شده بود شش ماه اول سال را از خوشی روی پایش بند نبود. هر گدایی از دم در جلویی اش رد می شد یک لقمه جوپونی از گوشت راسته بره را زوری زوری می چپاند تو دهنش. تا مهرماه آن سال هر چه کیف داشت از آن جام برد و روز سوم مهر از راه رسید. کل طهران می دانست که چه روز خوفناکی ست بازی قرمزها مقابل آبی ها. مشد حسن از فرط دل ناگرانی، از شب قبل جلو کبابی اش را بست و گفت من از اوضاع این بازی بوی خون می شنم. من تنگ باخت رونمی توانم تحمل کنم. مشد حسن صبح جمعه رفت محرم عمومی فرمانفرما و بدن مضطربش را داد دست رحیم مشتمالچی و بعد از آن که توی لباس کنی، یک قلیون خوانسار هم کشید و یک دوغ نعنای هم زد به بدن، دیگر حاضر به یراق شد که برود امجدیه. در آن ظهر جمعه پاییزی اما دلش نبود. هر چه بچه های صابونیز خونه دلدارش دادند که حسن آقا ما قهرمان آسیا شدیم، این بازی که ترس نداره؟ مشد حسن بهانه می آورد که شب زیاد آب ملاط کباب راسته خوردم رو دل کردم اما مشخص بود که در دلش رخت می شستند. جمعه ظهر مشد حسن رسید به خیابون لختی هاتا سوار اتوبوس دو طبقه خط امجدیه بشود و سر راهش دید که جلوی دهکمه خبرالدوله قیامت است و روزنامه فروش قدیمی، رادیو ترانزیستوری اش را با صدای بلند وصل کرده به پیشخوان دهکمه و دختر و پسر که کپه جمع شده اند جلویش که ببینند از بازی خبری چیزی می شنغند یا نه؟ توی اتوبوس دو طبقه، بچه جغله ها طبقه بالای اتوبوس را روی سرشان برداشته بودند و پایشان را می کوبیدند زمین و داد می زدند آق شورفاز گزیده. بازی شروع شد. بالته گزیده. گاز بده. شورفه

اما جعفر جنی بود که آن روز نامیزون بود و کلاه کاسک را

مثل ترافیک و ممنوعیت‌های خیابانی هم از زیر چشم دربی‌روها جامنی‌ماند. مثلاً روزنامه‌اطلاعات آن سال در صفحه جلد خود از قول اداره راهنمایی‌راندگی به تشریح محدودیت‌های ترافیکی در روز بازی پرداخته است: براساس این مقررات، روز جمعه خیابان آیزنهاور حد فاصل میدان شهید۲۴ اسفند و خیابان شهرضا حدفاصل ۲۴ اسفند تا تقاطع وصال شیرازی تا تخلیه کامل استادیوم، از غرب به شرق یک‌طرفه است. از ساعت ۲۰ روز جمعه از حرکت وسایل نقلیه از سه‌راه کاوران سنگی در جاده مخصوص به سمت میدان شهید تا تخلیه کامل استادیوم جلوگیری می‌شود.

خبرنگار این روزنامه همچنین در روز پیش از بازی، به مصاحبه با میریاین و بازیکنان دو تیم پرداخته و می‌نویسد در ده سال گذشته کمتر اتفاق افتاده که دو تیم در قیدوبند بازی تدافعی یا ضدفوتبال باشند. مخبر دربی باز ابتدا سراغ قرمزها رفته و در اظهار نظری از قول کونوف مربی روسی پرسپولیس نوشته است: در تیم من همه آماده‌اند. فیروز امینیان سخنگوی پرسپولیس می‌گوید اگر این چندتا بازیکن مریض مان را نداشتیم راحت‌تر از احتمال پیروزی تیم‌مان حرف می‌زدیم. صفر ایرانپاک معتقد است کلید این دیدار به پای‌های مدافعان ما و مهاجمین تاج بسته است. اگر خط دفاعی ما بتواند مهاجمین آنها را مهار کند صدر در صد پیروزیم. اسماعل حاجی رحیمی‌پور می‌گوید تاجی‌ها همیشه از ما ترسیده‌اند و همین می‌تواند برد ما را مسلم کند. پروین طبق معمول جواب سیاستمداران‌ه می‌دهد به همین میزان که ما مشکلات داشته‌ایم آنها هم داشته‌اند. فکر می‌کنم بتوانیم شکست‌شان بدهیم. از همه جالب‌تر طنز سیاه اصغر ادیبی عافیک میانی قرمزهاست که می‌گوید مگر روز جمعه چه خبر است؟ من که خبر ندارم. را ضا و طنزخواه جمع‌داست به هیچ بازیکنی اجازه نمی‌دهم از سمت متن فرار کنند. ما کمتر از آزارات و اسپین‌سازی نیستیم که تاج را برده‌اند. خبرنگار اطلاعات شش‌ساز اردوی تاجی‌ها سر می‌زند و می‌نویسد آنها روز قبل از بازی به